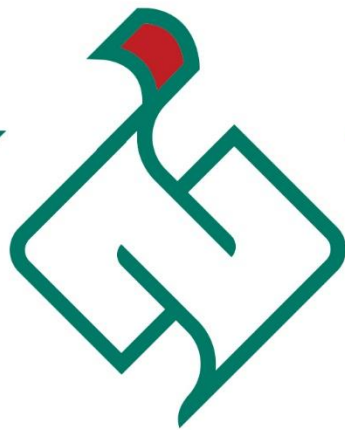




اندیشکده فرهنگ و توسعه

سیاست فرهنگی در سال ۲۰۲۵: فشارها و وعده‌ها در جهانی تقسیم‌شده

۹ دسامبر ۲۰۲۵

النا پولیتسوا (نویسنده اصلی)، والتینا مونتالتو، لینا کیرزاوایت

بر اساس گزارش‌ها و پیمایش‌های جهانی، ما در یکی از تقسیم‌شده‌ترین دوره‌ها از زمان جنگ سرد به سر می‌بریم. کارشناسان «مناقشات مسلحانه دولت محور» را به عنوان بزرگ‌ترین خطری که امروز بشریت با آن روبروست معرفی می‌کنند؛ جهشی از رتبه هشتم به رتبه اول تنها در یک سال. این برداشت بی‌پایه نیست: در حال حاضر بیش از ۱۰۰ مناقشه مسلحانه در سراسر جهان در جریان است که از جمله آن‌ها می‌توان به جنگ روسیه علیه اوکراین، مناقشه اسرائیل و فلسطین، و جنگ داخلی در سودان اشاره کرد. مناقشات همچنین به‌طور فزاینده‌ای بین‌المللی می‌شوند و یافتن راه‌حل را دشوارتر می‌کنند.

درست زمانی که جهان در تلاش است کاهش صلح جهانی را معکوس کند، در پابندی به تعهدات خود برای کاهش تخریب آب‌وهوایی نیز کوتاهی می‌کند: پیشرفت اجرای توافقنامه پاریس بسیار کند است و هیچ‌یک از ۴۵ شاخص ارزیابی‌شده در مسیر دستیابی به اهداف ۱.۵ درجه‌ای تا پایان این دهه قرار ندارند. کنفرانس COP30 قوی‌ترین زبان مبتنی بر حقوق و عدالت را تاکنون ارائه داد، اما در نتیجه نهایی ناکافی بود: تأمین مالی سازگاری رقیق شده و به سال ۲۰۳۵ موکول شده، سازوکارهای پاسخگویی مبهم است و سند هیچ نقشه راهی برای خروج تدریجی از سوخت‌های فسیلی ارائه نمی‌دهد.

مناقشات مسلحانه و بحران آب‌وهوایی، در کنار بی‌ثباتی اقتصادی، همچنان سطح بالایی از آوارگی اجباری انسانی را به دنبال دارند که نشان‌دهنده دو برابر شدن در طول یک دهه گذشته است. با این حال، برای اولین بار در سال‌ها، آمار مهاجرت غیرقانونی و پناهندگی در اروپا از روندهای جهانی آوارگی فاصله گرفته و تعداد ورودی‌ها ۴۰ درصد کاهش یافته است. این امر ناشی از سیاست‌های مهاجرتی محدودکننده‌ای است که شامل برنامه‌های کنترل، اخراج و تقویت مرزها، و همچنین برون‌سپاری پردازش پناهندگی می‌شود.





بحث درباره مهاجرت احتمالاً شدیدتر خواهد شد، چرا که چشم‌انداز سیاسی جهانی دگرگونی عمیقی را تجربه می‌کند. در سال ۲۰۲۵ اولین پیامدهای «سال انتخابات بزرگ» ۲۰۲۴ را دیدیم؛ بزرگ‌ترین سال انتخاباتی جهانی از زمان معرفی حق رأی همگانی. انتخابات متعدد، احزاب پوپولیست و رادیکال ضد تأسیساتی را تقویت کرد. روند این موج انتخاباتی گسترده، واکنش رأی‌دهندگان علیه احزاب و رهبرانی بود که قدرت داشتند و از آن بیرون رانده شدند یا حمایت از آن‌ها کاهش یافت.

روند قابل توجه دیگر، کاهش بیشتر چندجانبه‌گرایی بود که با کاهش گسترده کمک‌های بین‌المللی همراه شد؛ از انحلال USAID گرفته تا کاهش شدید در سوئیس، آلمان، فرانسه و هلند. این روند نشانه‌ای گسترده‌تر از درون‌نگری و عقب‌نشینی از همکاری جهانی در دوره‌ای از ناپایداری رو به رشد است. اگرچه هزینه‌های فرهنگی هرگز سهم قابل توجهی از این بودجه‌ها نداشته، اما این کاهش‌ها سازمان‌های غیردولتی، بنیادها و بخش فرهنگی را بی‌ثبات می‌کند.

جهان سیاست فرهنگی نیز ساکن نمانده است. در طول سال گذشته شاهد تحولات مهمی بودیم: تصویب سند نتایج موندیاکولت ۲۰۲۵، بحث‌های جاری درباره بودجه آتی اتحادیه اروپا و معماری جدید تأمین مالی فرهنگی، و انتشار چارچوب راهبردی بلندمدت اتحادیه اروپا برای فرهنگ. در همان زمان، سیاست‌های فرهنگی ملی همچنان در حال تغییر هستند؛ در برخی کشورها محافظه‌کارانه‌تر یا بازارمحورتر، و در برخی دیگر به سمت حقوق فرهنگی و بهبود شرایط کاری هنرمندان حرکت می‌کنند.

فرهنگ به‌عنوان هدف توسعه پایدار: پاسخی به سؤال اشتباه؟

در اکتبر ۲۰۲۵، یونسکو و وزارت فرهنگ کنفرانس موندیاکولت ۲۰۲۵ را برگزار کردند که به تصویب اعلامیه جدید موندیاکولت، رسماً «تعهد وزرای فرهنگ»، منجر شد. در مقایسه با سند پیشین، اعلامیه موندیاکولت ۲۰۲۲، سند امسال تأکید بیشتری بر نقش فرهنگ در ارتقای صلح دارد، دو برابر بیشتر از واژه «بحران» استفاده می‌کند و درخواست ۲۰۲۲ برای افزایش بودجه‌های عمومی فرهنگ توسط کشورهای عضو را حذف کرده است.

مهم‌تر اینکه، درخواست برای گنجاندن فرهنگ به عنوان «هدفی مستقل به خودی خود» در چارچوب‌های توسعه آتی سازمان ملل همانند سه سال پیش در سند نتایج ۲۰۲۵ صریح باقی مانده است. این فشار مستمر یونسکو توسط بخش فرهنگی به گستردگی جشن گرفته می‌شود. با این حال مقاومت از خارج از حلقه‌های سیاست فرهنگی همچنان قوی است، چنانکه دهه گذشته نشان داده. این مقاومت سال گذشته به اوج خود رسید و «هدف فرهنگ» از متن نهایی «پیمان آینده» سازمان ملل حذف شد.

اما همانطور که جاستین اوکانر اشاره کرده، «افق هراسناکی وجود دارد که نه تنها هیچ هدف فرهنگی وجود نخواهد داشت، بلکه شاید اصلاً هیچ هدفی در کار نباشد.» در میان کاهش تعهد آمریکا به اهداف توسعه پایدار و کاهش بودجه‌های توسعه‌ای آن، که چند کشور غربی دیگر نیز از آن پیروی کرده‌اند، چشم‌انداز تجدید چارچوب اهداف توسعه پایدار در پنج سال آینده به‌طور فزاینده‌ای مشکوک به نظر می‌رسد. افزون بر این، خود چارچوب، تحولی دگرگون‌ساز به سمت پایداری ایجاد نکرده است. گزارش اهداف توسعه پایدار ۲۰۲۵ حکم هشدارآمیزی صادر می‌کند: تنها ۱۸ درصد از اهداف در مسیر دستیابی تا ۲۰۳۰ قرار دارند.

پس سؤال اینکه آیا واقعاً به یک هدف فرهنگی نیاز داریم بی‌ربط نیست. اگر بخش فرهنگی واقعاً محرک تخیلی است که ادعا می‌کند، شاید وظیفه ما در این لحظه از تاریخ این باشد که خود ایده توسعه پایدار را بازاندیشی کنیم و آن را از فهرستی رو به رشد از شاخص‌ها رها کرده و به جای آن به دیدگاهی جسورانه‌تر و روشن‌تر لنگر بیندازیم. دیدگاهی که نابرابری‌های جهانی را به رسمیت می‌شناسد و رشد اقتصادی را، در مفهوم کلاسیک آن، با چیزهایی که آن را تضعیف می‌کند مانند پایداری زیست‌محیطی مقارن نمی‌سازد.

فضای در حال انقباض برای دموکراسی: فرهنگ چه نقشی دارد؟

نگرانی بزرگ دیگر امروز وضعیت دموکراسی در سطح جهانی است که بیش از یک دهه است به‌طور پیوسته در حال افول است. آخرین نسخه شاخص دموکراسی واحد اطلاعات اکونومیست به تخریب مداوم دموکراتیکی اشاره دارد که از حدود سال ۲۰۰۷



آغاز شده و هیچ نشانه‌ای از معکوس شدن نشان نمی‌دهد. بر اساس گزارش‌دهی جهانی دیگر، برای اولین بار در ۲۰ سال، اقتدارگراها از دموکراسی‌ها پیشی گرفته‌اند.

این بحران در سطح اتحادیه اروپا نادیده گرفته نمی‌شود. حمایت از دموکراسی از جمله اولویت‌های راهبردی جدید اتحادیه اروپا برای سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۹ است. در سخنرانی وضعیت اتحادیه ۲۰۲۵، رئیس کمیسیون اورسولا فون درلاین هشدار داد که دموکراسی «زیر حمله» است. یکی از نگران‌کننده‌ترین تحولات برای جامعه مدنی در سال ۲۰۲۵، یک کمپین سیاسی است که توسط حزب مردم اروپا و با حمایت گروه‌های راست افراطی در پارلمان اروپا هدایت می‌شود و سازمان‌های جامعه مدنی را هدف قرار داده است.

با آشکارتر شدن فرسایش دموکراتیک در اروپا، نقش فرهنگ در پاسخ به آن نیز در حال کسب بازشناسی است. در ماه نوامبر، این همگرایی به اوج خود رسید و اعلامیه‌ای مشترک به امضای تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا به جز مجارستان، و همچنین ایسلند، نروژ، سوئیس، انگلستان و اوکراین رسید. این اعلامیه با عنوان «اعلامیه درباره ضرورت فرهنگ و رسانه به‌عنوان سپر حفاظتی دموکراسی‌های اروپایی ما» صادر شد و سندی است که روایت را از بحث درباره نقش یا ارزش فرهنگ به تأکید بر ضرورت آن تغییر می‌دهد.

چارچوب راهبردی تازه تصویب‌شده اتحادیه اروپا برای فرهنگ، «قطب‌نمای فرهنگ»، ارزش دموکراتیک فرهنگ را می‌پذیرد و ابتکاراتی برای بهبود دسترسی به فرهنگ، به‌ویژه برای جوانان، ارائه می‌دهد. پیشنهاد ادغام «اروپای خلاق» با برنامه CERV در چارچوب مالی چندساله بعدی (۲۰۲۸ تا ۲۰۳۴)، در قالب ابزار تأمین مالی جدیدی به نام AgoraEU، تحولی نهادی کلیدی است.

تحول مثبت آن است که AgoraEU دو برابر شدن پاکت‌های مالی هم برای بخش فرهنگ و هم برای رسانه را پیش‌بینی می‌کند. با این حال بسیاری در بخش فرهنگی نگران پیامدهای سیاسی و مالی ادغام تأمین مالی فرهنگی با حمایت گسترده‌تر از جامعه مدنی هستند. آیا فرهنگ فضای سیاسی خودمختار خود را در سطح اتحادیه اروپا حفظ خواهد کرد و به خودی خود ارزش‌گذاری خواهد شد؟

در نهایت، باید دید که آیا این یکپارچه‌سازی دو حوزه سیاستی، همراه با انعطاف مالی افزوده‌شده، واقعاً ارتباط میان فرهنگ و دموکراسی را به‌گونه‌ای تقویت می‌کند که فرهنگ شکوفا شود، یا اینکه فضای مستقل فرهنگ را رقیق کرده و پایگاه سیاسی آن را تضعیف می‌کند.

آزادی و پایداری بخش فرهنگی: چه چیزی در خطر است؟

در اوایل ۲۰۲۵، تمام ۲۷ وزیر فرهنگ نامه‌ای امضا کردند که از کمیسیون اروپا می‌خواست تأمین مالی فرهنگ را حفظ کند. این نامه با استناد به ارزش‌های تنوع فرهنگی و آزادی هنری، هم به موضوع اصلی پرداخت و هم حالتی از فوریت وجودی داشت. انتشار آن برای برخی از ما غافلگیرکننده بود، چون زمینه کلی سیاست‌های فرهنگی شکل گرفته توسط سیاست‌گذاران ملی در چند سال گذشته چندان حمایت‌کننده نبوده است.

نشانه‌های فزاینده‌ای از انقباض فضا برای آزادی هنری در سراسر جهان دیده می‌شود. در اسلواکی، بر اساس گزارش‌های بخش فرهنگی، اصلاحیه‌های قانونی اخیر شفافیت در انتصاب و عزل مدیران نهادهای فرهنگی را بیشتر تضعیف کرده، جلسات عمومی را لغو کرده و کنترل وزارتی بر نهادهای بازوی مستقل را گسترش داده است.

جنگ اسرائیل و غزه نیز بر آزادی بیان در برخی کشورها تأثیر گذاشته است. فریموز گزارش می‌دهد که این امر بیشتر در آلمان، آمریکا و انگلستان مشهود است و هنرهای بصری بیشترین تأثیر را پذیرفته، پس از آن ادبیات، موسیقی و فیلم، به‌ویژه آثار مرتبط با مواضع طرفدار فلسطین. در آمریکا، دونالد ترامپ کمی پس از آغاز دومین دوره ریاست‌جمهوری‌اش، چندین دستور مرتبط با مسائل برابری و هویت جنسیتی صادر کرد و چندین کمک‌هزینه صندوق ملی هنرها را لغو کرد.



آزادی هنری نه تنها از حملات مستقیم رنج برده، بلکه از کاهش حمایت عمومی از هنرها نیز متضرر شده است. با روبرو شدن بسیاری از کشورهای اروپایی با کسری بودجه و تغییر اولویت‌ها، به‌ویژه با افزایش نگرانی‌های دفاعی، تأمین مالی عمومی فرهنگ در چندین کشور از جمله فرانسه، فنلاند، آلمان، ایتالیا، سوئد، سوئیس، انگلستان و دیگران کاهش یافته است.

با این حال، چشم‌انداز کاملاً سیاه و سفید نیست. تحولات جسورانه‌ای در کشورهای مختلف رخ داده که هم چالش‌های بخش را به رسمیت می‌شناسند و هم پارادایم‌های جدیدی در حمایت و سیاست‌گذاری ترویج می‌دهند. ایرلند انتقال طرح درآمد پایه برای هنرمندان از مرحله آزمایشی به وضعیت دائمی را اعلام کرده است. شاید یکی از جالب‌توجه‌ترین و امیدوارکننده‌ترین تحولات، تصویب طرح حقوق فرهنگی جدید اسپانیا باشد که نه تنها ماهیت سیستمی حقوق فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد بلکه آن‌ها را از طریق حمایت مالی اضافی تقویت می‌کند.

هوش مصنوعی: برخورد‌ها، خیانت‌ها، دوراهی‌ها

این سال از نظر تحولات هوش مصنوعی و تلاش برای تنظیم آن و ایجاد رابطه‌ای متعادل و غیرتهدیدآمیز با بخش‌های خلاق پرماجرا بوده است. تحول قابل توجه، اگرچه تا حدودی غیرمنتظره، سیل رو به گسترش محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی در فضای آنلاین بوده است. بر اساس اعلام دی‌زِر، پلتفرم جهانی پخش موسیقی، این پلتفرم روزانه بیش از ۳۰,۰۰۰ آهنگ کاملاً تولیدشده توسط هوش مصنوعی دریافت می‌کند که بیش از ۲۸ درصد از کل بارگذاری‌های روزانه شناسایی‌شده توسط آشکارساز هوش مصنوعی آن را تشکیل می‌دهد. این رقم از ۱۰ درصد در ابتدای سال رشد کرده است.

نیمه اول سال ۲۰۲۵ همچنین شاهد تحولاتی در بسیاری از دعاوی حق مؤلف در جریان علیه شرکت‌های هوش مصنوعی بود. دولت‌ها همچنان با نقش خود در ایجاد توازن میان نیازهای خلاقان، مصرف‌کنندگان فرهنگی و کسب‌وکارها دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا، اولین قانون از این نوع در جهان، در اوت ۲۰۲۴ لازم‌الاجرا شد. در ابتدا از سوی بخش‌های فرهنگی و خلاق با استقبال روبرو شد، اما تا اواسط ۲۰۲۵ آن خوش‌بینی محو شده بود. در ژوئیه، بیش از ۴۰ انجمن صنعت خلاق اروپایی نمایندگی‌کننده صاحبان حقوق، بیانیه‌ای مشترک صادر کردند که اجرای قانون هوش مصنوعی را «خیانت» نامیدند. محور بحث ماده ۵۳ قانون بود که برای «تسهیل صاحبان حق مؤلف و حقوق مرتبط در اعمال و اجرای حقوق خود» طراحی شده بود. با این حال، صنایع خلاق استدلال کردند که کد رویه عمومی هوش مصنوعی چندمنظوره منتشرشده در ژوئیه ۲۰۲۵ «توازن منصفانه و قابل اجرایی» ایجاد نمی‌کند.

در همین حال، ایالات متحده قانون‌گذاری‌هایی را برای تعریف بیشتر تألیف و حق مؤلف در عصر هوش مصنوعی پیش برده است. در مارس ۲۰۲۵، دادگاه تجدیدنظر آمریکا حکم تاریخی‌ای صادر کرد که حمایت از حق مؤلف برای آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی را رد کرد و الزام به تألیف انسانی را تأیید کرد. چین رویکرد نظارتی متفاوتی اتخاذ کرده است. در مارس، اداره فضای مجازی اقدامات برچسب‌گذاری محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی و استاندارد ملی اجباری را منتشر کرد.

راهبرد فرهنگی جدید اتحادیه اروپا: دوران جدید یا حفظ وضع موجود؟

نقطه عطف حیاتی دیگر انتشار «قطب‌نمای فرهنگ» کمیسیون اروپا، چارچوب راهبردی بلندمدت آن برای فرهنگ، بوده است. با شعار «اروپا برای فرهنگ، فرهنگ برای اروپا»، این راهبرد نیت برقراری توازن میان دو رویکرد سیاستی را نشان می‌دهد: ارزش‌گذاری فرهنگ برای مأموریت‌های مختلف سیاستی از یک سو، و تقویت اکوسیستم فرهنگی خود با به رسمیت شناختن چالش‌ها و فشارهای متنوع آن از سوی دیگر.



گفتمان راهبرد جاه طلبانه و سنجیده است که در این زمانه قطبی سازی، تفرقه و عدم قطعیت دلگرم کننده و حتی شگفت انگیز است. قطب نما ارزش های چندوجهی فرهنگ را بیان می کند، فراتر از اقتصاد و مشاغل، آزادی هنری را در مرکز خود قرار می دهد و دشواری های ذاتی مسیرهای شغلی هنری را می پذیرد.

در حالی که البته بسیاری از عناصر در این راهبرد غایب هستند و برخی از عناصر موجود با هم همخوانی ندارند، بزرگ ترین دلیل برای تعجب تغییر محدود از وضع موجود در خصوص چگونگی عمل است. بخش زیادی از سند ادامه یا تجدید اقدامات موجود را فهرست می کند، ابزارهای نرم مانند دستورالعمل ها، راهبردها و منشورها پیشنهاد می دهد و پاسخ های محدود یا جزئی به چالش های ساختاری عمده ارائه می کند.

پس، «قطب نمای فرهنگ» را چگونه باید درک کنیم؟ قطعاً باید آن را به عنوان یک تعیین کننده مهم دستورکار و مرزگذار در زمینه گفتمان و به رسمیت شناختن اهمیت فرهنگ برای اروپا دید. این تعهد سیاسی جدید حیاتی است زیرا مانند هر سند راهبردی، در تغییرات سیاسی آینده را می گشاید. مدافعان فرهنگ و سیاست گذاران اکنون جعبه ابزار اضافی برای ترویج تغییر واقعی در سال های آتی دارند.

سیاست فرهنگی محلی: فضایی برای روایت فرهنگی جدید؟

درک آنچه در شهرها اتفاق می افتد در مرتبه دومی نسبت به آنچه در سطح ملی رخ می دهد قرار ندارد. نه تنها به این دلیل که دولت های محلی نزدیک ترین ها به نیازهای شهروندان هستند، بلکه چون در بسیاری از کشورها آن ها تأمین کنندگان اصلی خدمات فرهنگی هستند.

امسال، سیاست گذاران اتحادیه اروپا بار دیگر نقش حیاتی فرهنگ در احیای شهرها و مناطق را تأیید کردند. دستورکار اتحادیه اروپا برای شهرها به رسمیت می شناسد که فرهنگ می تواند به شهرها کمک کند تا با چالش های امروز و فردا از ایجاد شغل تا رقابت پذیری و رفاه کنار بیایند.

این شتاب سیاستی همچنین نشانه ای از بازجهت گیری نوظهور است: در حالی که فرهنگ به طور سنتی برای پویاتر، مرئی تر و جذاب تر کردن مناطق ارزش گذاری می شده، اولویت های راهبردی نوظهور در حال گذار از این عینک اقتصادی هستند.

منچستر بزرگ تازه برنامه توسعه صنایع خلاق خود را منتشر کرده که نه تنها حول یک سیاست صنعتی بسیار روشن برای این بخش می چرخد، بلکه برنامه ریزی برای تأسیس یک شورای خلاق و کارگروه فریلنسرها را نیز دارد. با این حال نیاز فوری به درک اینکه اقتصاد فرهنگی واقعاً چیست همچنان باقی است.

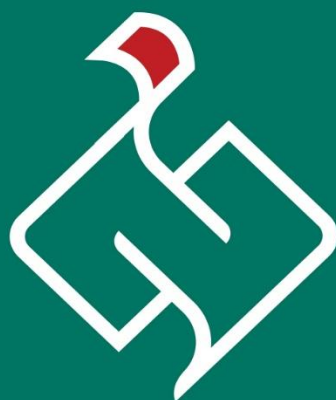
به سوی ۲۰۲۶: پیشرفت واقعی از کجا خواهد آمد؟

همیشه زمان اهمیت دارد. به فاصله میان توسعه هوش مصنوعی و اقدام قانونی یا سیاسی نگاه کنید: هوش مصنوعی به هر حوزه ای از حیات عمومی نفوذ کرده و در چند سال، آینده بدون آن را تقریباً غیرقابل تصور کرده است. در حالی که دولت ها به دنبال راه حل می گردند و جامعه مدنی بحث ها را ترویج می دهد، هوش مصنوعی فرآیندهای خلاقانه را دگرگون کرده و حجم عظیمی از کارهای خلاقانه را تصاحب کرده است.

مشکل دیگر این فاصله ها آن است که وقتی تعهدات نمادین بلندتر می شوند در حالی که واقعیت بدتر می شود و فاقد اقدامات جسورانه است، اعتماد میان شهروندان و سیاست گذاران فرسوده می شود. جشن گرفتن راهبردها در حالی که اکوسیستم ها در حال کاهش هستند منطقی نیست. ترویج فرهنگ به عنوان نیروی دموکراتیک در حالی که آزادی هنری زیر حمله است و خودسانسوری در بخش رشد می کند نادرست است.

در مورد بُعد اقتصادی که همچنان بحث‌برانگیز است، یک چارچوب مفهومی جدید فوری لازم است؛ چارچوبی که بر روی میزهای دانشگاهیان نمانده و به‌طور انتقادی با آنچه در محافل علمی و فراتر از آن تولید شده درگیر شود.

امیدواریم که یک سال دیگر، در پایان سال ۲۰۲۶، از تغییرات ملموس و کاربردی در سراسر جهان صحبت کنیم: بودجه‌های فرهنگی ملی و اتحادیه اروپا واقعاً در مسیر رشد قابل توجه و پایدار؛ بحث هوش مصنوعی که واقعاً صداها و نیازهای خلاقان را در بر می‌گیرد؛ قطب‌نمای فرهنگ که به گام‌های جسورانه مورد نیاز منجر می‌شود؛ پیشرفت‌هایی در بازتصور نقش فرهنگ در توسعه پایدار؛ و آزادی هنری و «فرهنگ به‌عنوان کالای عمومی» که وارد بحث‌های صادقانه و محتوایی سیاسی شده‌اند که سرانجام حمایت‌ها و به رسمیت شناختن‌های دیرین را به بار می‌آورند.



 WWW.CDSTT.IR

 [CDSTT.IR](https://www.instagram.com/cdstt.ir)

 [CDSTT](https://twitter.com/cdstt)